

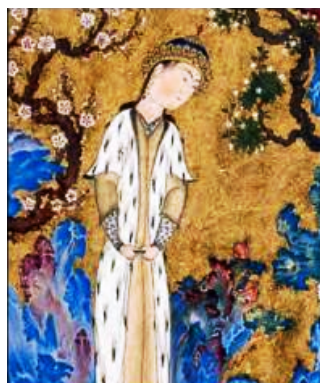


حکومت ماد ها

هوشنگ دومین پادشاه ایران

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

به نام اهورامزدا ی پاک هوشنگ دومین پادشاه ایران هوشنگ به اوستایی: haošyangha - هئوشینگه که از دو واژه هوش و هَنگ است، و به پهلوی: hōšang به معنای کسی که منازل خوب فراهم سازد، یا بخشنده خانه‌های خوب، است. لقب او در اوستا پَرَدات (Para-dāta)، به معنای مقدم و بر سر قرار گرفته است. این لقب در پهلوی پِشَدات و پِشَداد (Pēš-dād) و در فارسی پیشداد شده است. [۱] وی نخستین شاهی بود که اهورامزدا آتش را به وی شناسانید. همچنین نخستین استخراجگر آهن، نخستین آهنگر و نخستین قربانی کننده است. بر پایه گفته‌های ش

هوشنگ دومین پادشاه ایران

هوشنگ به اوستایی: haošyangha - هئوشینگه که از دو واژه هوش و هنگ است، و به پهلوی: hōšang به معنای کسی که منازل خوب فراهم سازد، یا بخشنده خانه‌های خوب، است. لقب او در اوستا پَرَدَات (Para-dāta)، به معنای مقدم و بر سر قرار گرفته است. این لقب در پهلوی پشدات و پیشداد (Pēš-dād) و در فارسی پیشداد شده است.^[۱] وی نخستین شاهی بود که اهورامزدا آتش را به وی شناسانید. همچنین نخستین استخراجگر آهن، نخستین آهنگر و نخستین قربانی کننده است. بر پایه گفته‌های شاهنامه، وی نقش زیادی در یکجا نشینی مردم و گسترش شهرنشینی داشته است. وی از پادشاهان پیشدادی است و در اوستا بند ۲۱م از آبان یشت و در بند ۲۴م از رام یشت نام هوشنگ آمده است. فردوسی؛ هوشنگ را به چَم هوش و فرهنگ گرفته است.^[۲]

گرانمایه را نام هوشنگ بود تو گفتی همه هوش و فرهنگ بود

استاد میرجلال الدین کزازی مینویسد: [۳] "بی‌گمان پاره نخستین آن، هئو، به معنی نیک است. پاره دومین آن، شینگه، را به معنی سرای دانسته‌اند. در پارسی واژه‌هایی چون: شان و شن چونان پسوند در گلشن [مکان، سرای] است، نیز شاید «شانه» در «کاشانه» و «خن» و «خان» و «خانه» از آن بر می‌توانسته‌اند آمد. بر این پایه، این نام به معنی «آن که خانه خوب می‌سازد یا دارد» خواهد بود

اولین یا دومین شاه ؟

گرچه در شاهنامه آمده است که هوشنگ نوه کیومرث است و دومین پادشاه جهان اما هوشنگ در میان شاهان و پهلوانانی که در یشت‌ها برای آنان قربانی می‌کنند، نخستین کس است. نیز لقب وی ما را به این فکر وامی‌دارد که هوشنگ، در روزگاری که یشت‌ها نوشته می‌شده، به عنوان نخستین شاهی شناخته می‌شده که بر جهان فرمان رانده است. همچنین می‌توان حدس زد که روزگاری در پاره‌ای اساطیر محلی، وی را نخستین انسان می‌دانسته‌اند.^[۴] با توجه به اینکه در اساطیر ودایی، از هوشنگ نشانی نیست و در آنجا جمشید (yama) بر همه مقدم است، شاید بتوان نتیجه گرفت که هوشنگ، لقبی برای جمشید بوده است، که بعدها شخصیتی مستقل شده است.^[۵] آغاز سلسله پیشدادیان از اینجاست. در برخی از متن‌های پهلوی هوشنگ و وئیکرد دو برادری هستند که یکی فرمانروایی و دیگری کشاورزی را بنیان می‌نهد. در شاهنامه هوشنگ فرزندزاده کیومرث است. هوشنگ بر دیو سیاد پیروز می‌شود. کشف آتش را به او نسبت می‌دهند.^[۶]

هوشنگ در شاهنامه

وی در شاهنامه، پسر سیامک و نوۀ کیومرث است که انتقام قتل سیامک را از اهریمن می‌گیرد و پس از کیومرث به پادشاهی جهان می‌رسد. همچنین، یافتن آتش و برپایی جشن سده را در شاهنامه و اسطوره‌های ایرانی به او نسبت می‌دهند. هوشنگ، مردم زمان خود را با آبیاری و صنعت و جداکردن آهن و سنگ و ساختن ابزار آهنی آشنا ساخت و به ایشان کشاورزی آموخت. در شاهنامه؛ آشپزی، پختن نان و گله‌داری از آموزه‌های او برای مردم به شمار می‌رود. پیدایش جشن سده نیز به هوشنگ نسبت داده می‌شود.

به گزارش فردوسی، هوشنگ در کوه ماری سیاه با چشمان سرخ دید که از دهانش دود برون می‌شد. سنگی به سوی او پرتاب کرد. سنگ، به سنگی دیگر خورد و آتشی افروخت. آن شب، جشنی در بزرگداشت آتش گرفتند و نام آن جشن سده است. در شاهنامه می‌خوانیم:

یکی روز شاه جهان سوی کوه	گذر کرد با چند کس هم گروه
پدید آمد از دور چیزی دراز	سیه رنگ و تیره‌تن و تیز تاز
دوچشم از بر سر چو دو چشمه خون	ز دود دهانش جهان تیره‌گون
نگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ	گرفتش یکی سنگ و شد تیزچنگ
به زور کیانی رهانید دست	جهانسوز مار از جهانجوی جست
برآمد به سنگ گران سنگ خرد	همان و همین سنگ بشکست گرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ	دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
نشد مار کشته ولیکن ز راز	ازین طبع سنگ آتش آمد فراز
جهاندار پیش جهان آفرین	نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد	همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغیست این ایزدی	پرستید باید اگر بخردی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه	همان شاه در گرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد	سده نام آن جشن فرخنده کرد

ز هوشنگ ماند این سده یادگار	بسی باد چون او دگر شهریار
-----------------------------	---------------------------

جهاندار هوشنگ با رای و داد
چو بنشست بر جایگاه مِهی
به فرمان یزدان پیروزگر
وز آن پس، جهان یک سر آباد کرد
نخستین یکی گوهر آمد به چنگ
چو این کرده شد، چاره آب ساخت

به جای نیا تاج بر سر نهاد...
چنین گفت بر تخت شاهنشهی...
به داد و دهش، تنگ بسته کمر
همه روی گیتی پر از داد کرد
به دانش، ز آهن جدا کرد سنگ...
ز دریاها برآورد و به هامون نواخت...

همچنین او جانورانِ سودمند مانند گاو و خر و گوسفند را جفت‌جفت جدا کرد تا آنها را پرورش دهند.

عمر هوشنگ

فردوسی حکیم میگوید : هوشنگ ۴۰ سال حکومت کرد و پس از او تهمورث دیوبند پادشاه شد.

عمر خیام در نوروزنامه نوشته است: هوشنگ نُهصد و هفتاد سال پادشاهی راند و دیوان را قهر کرد و آهنگری و درودگری و بافندگی پیشه آورد و انگبین از زنبور و ابریشم از پیله بیرون آورد و جهان به خرامی بگذاشت و به نام نیک از جهان بیرون شد ."

چهل یا نهصد و هفتاد سال ؟

در ایران باستان نام هر هزاره را به نام ، نام آورترین فرد آن هزاره می گماردن، پس گفته حکیم خیام درست است و در اسناد تاریخی بیان نام هوشنگ بیشتر بیان یک دوره است . این دوره آغاز گسترش و شکوفایی بیشتر تمدن (شهرنشینی) ایرهاست ... در این دوره قلمرو ایرها گسترش یافته و شاهان دیگری هم بودند که زیر فرمان شاه شاهان قرار داشتند. این امر گام بزرگی در زمینه ساماندهی کشور و کشورداری است که از مرز تک‌جایی گذشته و به مرحله " چندجایی " رسیده است. امور کشور از هم تفکیک شده و در جاهای گوناگون دارای مسئولان مختلفند که زیر نظر دولت مرکزی قرار دارند [۷]

هوشنگ در اوستا

یشت ۵ بند ۲۱. برای او هوشنگ پیشدادی بر دامنه کوه هرا صد اسب نر، هزار گاو، ده‌هزار گوسفند قربانی کرد.

یشت ۵ بند ۲۲. و از او درخواست کرد: «این نعمت را به من بده، ای اردوی سور آناهیتای خوب بسیار نیرومند، تا

برترین شهریار را بر همه کشورها، بر دیوان و مردمان، جادوان، و پریان، فرمانروایان ستمکار، گوی‌ها و گریان بیابند، و دو سوم دیوان مازنی و بدکاران ورنی را نابود کنم.»

یشت ۵ بند ۲۳. آن گاه آردوی سُر آناهیتا این نعمت را بدو داد، کسی که نعمت را به پارسایی که برای او «زُهر» نثار آورد و قربانی کند، ارزانی می‌دارد.

یشت ۹ (قهرمانان برای درواسپا قربانی می‌کنند):

یشت ۹ بند ۳. برای او هوشنگ پیشدادی بر دامنه کوه هرای زیبای آفریده مزدا صد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند قربانی کرد و «زُهر» نثار آورد.

یشت ۱۳ (به یاری خوانده فروهرها):

یشت ۱۳. ۱۳۷. ما فروشی هوشنگ پارسا را می ستاییم برای پایداری او در برابر دیوان مازنی و بدکاران ورنی و برای پایداری در برابر آزار آفریده دیو.

یشت ۱۵ (قهرمانان برای ویو قربانی می‌کنند):

یشت ۱۵ بند ۷. هوشنگ پیشداد بر قلّه کوه «هرا» با بندهای آهنین بر تخت زرین، بر بالشی زرین، بر فرشی زرین، با برسم گسترده، با دست‌های پر او را ستایش کرد.

یشت ۱۷ (قهرمانان برای آشی نیک قربانی می‌کنند):

یشت ۱۷ بند ۲۴. هوشنگ پیشداد بر دامنه کوه هرای زیبای آفریده مزدا او را ستایش کرد.

یشت ۱۹ (قهرمانان برای فره قربانی می‌کنند):

یشت ۱۹ بند ۲۵. فره کیانی نیرومند بسیار ستوده زبردست مراقبِ پُر نیرویِ پُر هنرِ برتر از دیگران را می‌ستایم.

دینکرد هشتم، فصل ۱۳، بندهای ۵-۶ (چهرداد شامل روایت هایی است درباره):

بنیان نهادن قانون و آیین دهقانی برای کشاورزی و پرورش جهان که بر اساس [کوشش] و یگَرَد پیشداد است، و قانون فرمانروایی (دهیوَدیه) برای پاسبانی و اداره آفریدگان که بر اساس [کوشش] هوشنگ پیشداد پایه گذاری شده است.

(درباره) نسب نامه هوشنگ، نخستین و طمورث (تهمورث) دومین سرور هفت کشور، و برشمردن نسل ها از آفرینش اصلی تا زمان جم.



نگاره هوشنگ در شاهنامه تهماسبی

منابع:

1. پژوهشی در اساطیر ایران، ۱۸۹-۱۹۰
2. یشت. یشت ها. pp. جلد ۱-ص ۱۷۸
3. - میرجلال الدین کزازی - نامه باستان - ج یکم - رویه ۲۵۲
4. تاریخ ایران کمبریج، ۵۳۰
5. جستاری چند در فرهنگ ایران، ۸۵
6. دکتر هوشنگ طالع - تاریخ تمدن و فرهنگ ایران کهن - چاپ ۱۳۸۶ - سمرقند - رویه ۱۲۶
7. همان - رویه ۱۲۹
8. حریریان، محمود. تاریخ ایران باستان. سمت، ۱۳۸۵.
9. رجایی بخارایی، احمدعلی. برگزیده شاهنامه فردوسی، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۸۱،
10. یارشاطر، احسان، و دیگران. تاریخ ایران کمبریج جلد سوم، قسمت اول. مترجم: حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
11. بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران. ویراستار: کتابیون مزداپور. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۶.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «هوشنگ دومین پادشاه ایران»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1833/pdf/هوشنگ-دومین-پادشاه-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵